

◀ خسرو عقیلی بهنام - معاون قضایی دادگستری شهری استفاده از رایانه منحصر به نایب اوراق قضایی گردیده است

پس از اخذ لیسانس از دانشکده علوم قضایی در سال ۱۳۶۷ به عنوان دادیار دادسرای عمومی تهران منصوب و سپس به عنوان دادستان عمومی شهرستان ایزد در استان خوزستان و پس از آن به عنوان معاون دادسرای عمومی شهری، رئیس شعبه هفتم دادگاه عمومی و در حال حاضر نیز به عنوان معاون قضایی در این دادگستری مشغول انجام وظیفه شد.

■ در هر روز چند پرونده قضایی در این حوزه قضایی مطرح می گردد؟ و نحوه ارجاع پرونده به شعبه ها چگونه است؟

در حال حاضر روزانه به طور متوسط بالغ بر هشتاد فقره پرونده اعم از حقوقی و کیفری به شعبه های مختلف ارجاع می گردد که بدیهی است با در نظر گرفتن صلاحیتهای قانونی محاکم مختلف اعم از حقوقی، خانواده و کیفری و نیز با ملاحظه توان، تخصص و سوابق تجربی هر یک از قضات محترم که عهده دار مسؤلیت رسیدگی در شعبه می باشند، این امر صورت می پذیرد.

■ پس از احیای دادسرا، رسیدگی به امور قضایی را چگونه ارزیابی می نمایید؟

اصولاً اظهار نظر در رابطه با هر موضوع و یا پدیده ای که مرتبط با مسائل اجتماعی می باشد، نمی تواند به صورت مجرد و انتزاعی صورت پذیرد و ناگزیر باید به عوامل مختلف بیرونی و شرایط موجود و نیز واقعیتهای انکارناپذیری که می توانند بر نحوه قضاوت و برداشت ما تأثیر گذار باشند توجه نمود و آن گاه با در نظر گرفتن جمیع جهات و عوامل یاد شده اظهار نظر نمود. در خصوص موضوع مورد بحث اولاً باید متذکر شوم که دادسرا

زمینی با مساعدت و همکاری شهردار محترم تهران خریداری ضمن تغییر کاربری با کمک مردم و افزایش وام؛ احداث و به سه هزار نفر دیگر از مال باختگان واگذار گردد که بحمدالله اقدامات چشمگیر و بسیار خوبی در این زمینه به عمل آمده و امید است با استعانت از خداوند قادر متعال و همت مسؤلان و تلاش و سعی پیمانکار هر چه سریعتر این اشخاص به حقوق حقه خود نایل گردند.

■ به نظر شما چه اقداماتی برای پیشگیری از وقوع این جرائم باید صورت گیرد؟

نظر به اینکه صدور پروانه ساختمان و جلوگیری از ساخت و ساز غیرمجاز از وظایف شهرداریهاست لذا شهرداریها می بایست ترتیبی اتخاذ نمایند که با هماهنگی سازمان مسکن و شهرسازی طبق مقررات و قرارداد خاص به افراد معتبر واجد شرایط پروانه براج سازی و پروژه های بزرگ مسکونی و تجاری داده شود و در خرید و فروش و یا پیش فروش این واحدها توسط بنگاههای معاملات املاک شرایط و قرارداد مناسبی تنظیم و در اختیار ایشان قرار دهند و شرایط ضمن عقد را لحاظ نمایند و بر کلیه مراحل ساخت و ساز و فروش نظارت و کنترل لازم به عمل آید.

■ در اجرای قانون مربوط به دادرسیها چه نوع مشکلاتی ایجاد شده توضیح دهید و جهت رفع این مشکلات چه اقدامی از ناحیه شما صورت گرفته است؟

- ۱- کمبود کادر قضائی و اداری
- ۲- کمبود فضای اداری
- ۳- کمبود امکانات مناسب
- ۴- نبودن قانون آیین دادرسی کیفری متناسب با دادسرا و اجمال قانون آیین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب.
- ۵- عدم استقلال اداری و مالی دادسراها- از مشکلات فعلی می باشد امید است با همت و همکاری مسؤلان محترم حل شود.

در کشور ما و نیز در سیستم حقوقی ایران امری بی سابقه و جدید نبوده و شاید سابقه ای چندده ساله را دارا می باشد و ثانیاً اینکه رسیدگی به امور قضایی منحصر از مسیر دادرسی عبور نمی نماید و در حال حاضر همچون گذشته پرونده های حقوقی و خانوادگی بدون دخالت دادسرا در محاکم حقوقی و خانواده مورد رسیدگی واقع می گردد. مسلماً تشکیل دادگاههای عمومی به کیفیتی که در چند سال اخیر تجربه گردید نمی تواند به عنوان تحول مثبتی در سیستم قضایی کشورمان تلقی گردد و همانگونه که بسیاری از اساتید و حقوقدانان و نیز قضات مجرب پیش بینی می نمودند، سیستم یاد شده عملاً نتیجه ای جز تراکم فوق العاده پرونده ها در محاکم، ازدحام مراجعین به دادگاهها و در نتیجه شلوغی بیش از حد در شعب رسیدگی کننده، دربر نداشت و توان قضات برای رسیدگی به پرونده ها با تراکم و شلوغی بیش از حد از آنان سلب گردید. از سوی دیگر به لحاظ عدم توجه به ضرورت تخصصی بودن امور قضایی کیفیت رسیدگی نیز افت قابل ملاحظه ای یافت که این امر نیز بر افزایش تعداد پرونده ها و مراجعین به دادگستریها بی تأثیر نبود. در هر صورت با تدبیر و اقدام شجاعانه ریاست محترم قوه قضائیه حضرت آیت الله شاهرودی در خصوص احیای دادسراها، نظام قضایی کشورمان تحولی دوباره یافت و در مدت قریب به یک سال که از اجرای عملی آن در برخی از حوزه های قضایی از جمله در شهری می گذرد شاهد آثار و نتایج بسیار مثبت آن می باشیم.

■ برای بهبود بخشیدن به وضعیت قضایی کشور، چه راهک از و پیشنهادهایی به نظرتان می رسد؟

۱- مهمترین سرمایه دستگاه قضایی در هر کشوری قضات و کارکنان سالم و متعهد آن مجموعه می باشند که مسؤلیت اصلی اجرای صحیح سیاستهای قضایی به عهده آنها می باشد و بدیهی است حفظ این سرمایه با بذل توجه به امکانات و وضعیت رفاهی آنان، بویژه با عنایت به شئون امر قضا می تواند میسر گردد و حال که کلیه همکاران محترم قضایی و اداری با تحمل مشقت و فشار فوق العاده اهتمام به انجام وظایف خویش دارند، اقتضاء می نماید مسؤلان محترم دستگاه قضایی، عنایت بیشتری به این موضوع نموده تا با دلگرمی بیشتری انجام خدمت میسر گردد.

۲- احیای دادسرا تحولی مثبت بوده ولی نمی توان آن را کافی تلقی نمود و در ادامه آن لازم است به هر چه بیشتر به تخصصی بودن محاکم نیز توجه داشت، به طور مثال در حال حاضر رسیدگی به امور کیفری تا حد زیادی تخصصی گردیده و برخی موضوعات مهمه مانند قتل عمدی مستوجب قصاص قابل رسیدگی در محاکم کیفری استان می باشند و دادگاههای عمومی کیفری صلاحیت رسیدگی به آنها را به موجب قانون دارا نمی باشند



ولیکن در محاکم حقوقی چنین تقسیم صلاحیتی را شاهد نمی‌باشیم و دادگاههای حقوقی در هر شهرستان به کلیه موضوعات حقوقی اعم از دعاوی کم‌اهمیت تا سنگین‌ترین دعاوی رسیدگی می‌نمایند و به نظر می‌رسد کاملاً ضروری است که با توجه به پیچیدگیهای خاص در موضوعات حقوقی در این مورد نیز اقدامی جدی صورت پذیرد.

۳- مهمترین ابزار کار قضات دادگستری به پرونده‌های مختلف، قوانین می‌باشند که در حال حاضر مواجه با تعدد و پراکندگی فوق‌العاده قوانین مختلف می‌باشیم و این امر می‌تواند در برخی موارد مشکل ساز باشد زیرا که برخی قضات چه بسا از وجود بعضی قوانین مطلع نبوده و یا دسترسی به آنها نداشته باشند که در نتیجه در اتخاذ تصمیم صحیح مؤثر خواهد بود. مسلماً با پیشرفتهای روزمره در جامعه و ظهور موضوعات مسائل جدید قوانین موجود پاسخگویی نیازهای جامعه نبوده و نیاز به بازنگری، تغییر و یا تصویب قوانین جدید احساس می‌شود به خصوص که در حال حاضر با تغییر سیستم قضایی کشور و احیای دادسرا ضرورت تدوین قانون آیین دادرسی کیفری بیش از پیش احساس می‌گردد.

۴- آموزش از جمله امور مهمی است که توجه جدی مسؤلان محترم دستگاه قضایی را طلب می‌نماید و لازم است به صورت جدی و منظم تری این امر صورت پذیرد، متأسفانه آنچه در حال حاضر شاهد آن می‌باشیم و به صورت مقطعی و کوتاه مدت برخی اقدامات انجام می‌گردد، به هیچ وجه نمی‌تواند پاسخگویی نیازهای آموزشی دستگاه قضایی کشور باشد. آموزشها لازم است هر چه بیشتر کاربردی، به موقع و در دسترس باشد.

شدنی تردید در عصر حاضر که مواجه با پیشرفتهای فراوان در عرصه‌های مختلف از لحاظ تکنولوژی و علمی می‌باشیم، استفاده از فن‌آوریهای روز می‌تواند کمک شایانی در جهت بهبود وضعیت قضایی کشورمان بنماید. در شرایطی که در دنیای پیرامون خود یا حتی در داخل کشورمان و در سایر دستگاههای اجرایی صحبت از صنعت IT و تکنولوژی فن‌آوری اطلاعات می‌باشد و یا سخن از دولت الکترونیک به میان می‌آید، شیوه‌های قدیمی و سنتی موجود در انجام امور اداری در دادگستریها پاسخگویی افزایش روزمره پرونده‌ها و مراجعین نمی‌باشد و ضروری است هر چه سریعتر با توجه به نیازهای موجود در دستگاه قضایی از فن‌آوری روز نیز استفاده لازم با به عمل آورد.

۶- یقیناً در رسیدگی به پرونده‌های قضایی در محاکم دادگستری، همکاران محترم قضایی نیاز به منابع حقوقی و قانونی مختلفی را خواهند داشت، از جمله اطلاع از آرای وحدت رویه، رویه‌های مختلف قضایی، آیین‌نامه‌های مختلف، منابع و متون حقوقی و استفاده از نظریات مختلف



خسرو عقلی پهنام

تا از تراکم مراجعین به سیستم قضایی کاسته شود؟ در پاسخ به این سؤال باید خاطر نشان نمایم که برای دستیابی به راه حل مطلوب، ابتدا لازم است عواملی را که موجب ازدیاد مراجعه به دادگستریها می‌گردد، مورد کنکاش و بررسی قرار داده و آن گاه با شناخت عوامل و دلایل مذکور راه حل مناسب خودبه خود مشخص می‌گردد. به نظر اینجانب دو دسته عوامل خارجی و عوامل بیرونی در این زمینه می‌تواند مطمئن نظر واقع گردد که با اتخاذ تدابیر لازم و اعمال شیوه‌های صحیح تا حد زیادی می‌توان از حجم تراکم مذکور کاست.

عوامل درونی که می‌توانند در افزایش مراجعین مؤثر باشند به صورت اجمالی عبارتند از:

۱- نامتناسب بودن تعداد شعب پیش‌بینی شده با تعداد پرونده‌های وارده یکی از عواملی است که موجب ایجاد ازدحام در محاکم و عدم امکان پاسخگویی سریع و به موقع به مراجعین می‌گردد.

۲- در برخی موارد علی‌رغم پیش‌بینی شعب به تعداد لازم، به لحاظ کمبود کادر قضایی و اداری لازم عملاً با شعب بلا تصدی و یا شعبی که امکان تشکیل آنها علی‌رغم مصوب بودن در تشکیلات سازمانی مربوطه امکان‌پذیر نگردیده مواجه می‌باشیم که همانند مورد اول نتیجه‌ی جز ازدحام و تراکم مراجعین در مجتمعهای قضایی به دنبال نخواهد داشت.

۳- در پاره‌ای از موارد علی‌رغم پیش‌بینی نیروی انسانی به میزان لازم و نیز فعال بودن شعب یاد شده به لحاظ عدم کارآمدی نیروی انسانی موجود، که می‌تواند در نتیجه فقدان تجربه و تخصص لازم، و یا عدم گزینش و انتصاب صحیح نیروهای موجود و نیز برخی موارد وجود بعضی نیروهای ناسالم باشد به صورتهای مختلف منتهی به تراکم مراجعین گردد.

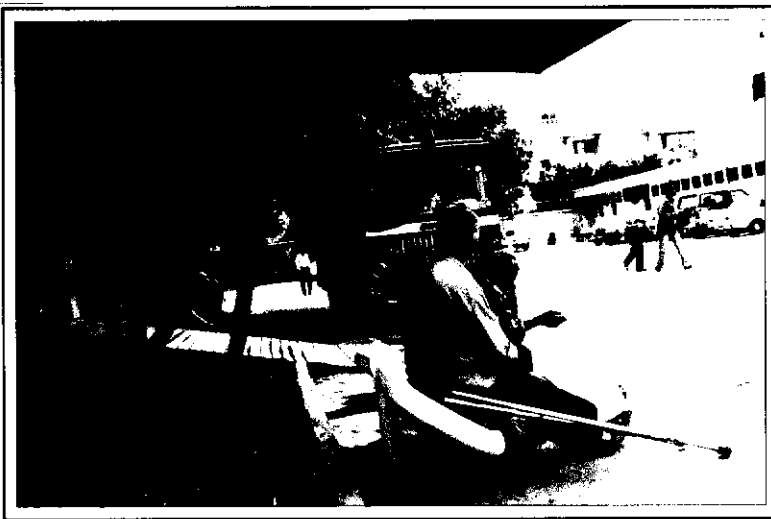
۴- عدم ابلاغ صحیح اوراق قضایی و یا تاخیر در انجام آن از جمله دلایلی است که موجب تجدید وقتهای رسیدگی در محاکم و در نتیجه مراجعات مکرر مراجعین می‌گردد، که با پیش‌بینی و تدارک

پیرامون موضوعات مبتلا به، منابع فقهی و آراء و فتاوی موجود، که متأسفانه در حال حاضر کمتر امکان دسترسی به چنین منابعی برای عموم قضات وجود دارد و چنانچه مانند برخی دستگاههای اجرایی و با استفاده از فن‌آوری روز، اقدام به تشکیل internet داخلی بنماییم و با فراهم نمودن امکان استفاده از آن برای کلیه قضات در سراسر کشور می‌توان به این مهم نایل آمد. البته سایتهای اینترنتی موجود از جمله سایت دادگستری استان تهران تا حدودی این امکان را فراهم آورده ولیکن با توجه به عدم فراگیر بودن آن، خصوصاً اینکه دسترسی به اینترنت نیز برای همه همکاران محترم قضایی در اقصی نقاط کشور فراهم نیست، کافی به نظر نمی‌رسد.

۷- دو اصل مهم تشویق و تنبیه از جمله موضوعاتی است که در دستگاه قضایی کشورمان به صورت قابل قبولی اعمال نمی‌گردد و به نظر می‌رسد برای بهبود وضعیت قضایی کشور لازم است اصول مدونی برای انجام این دو امر مهم لحاظ نمود تا کاستیهای موجود رفع و با اعمال صحیح و به موقع اصول تدوین شده، بتوان اجرای بهتر سیاستهای قضایی را شاهد بود.

۸- انتخاب و انتصاب مدیران لایق و کارآمد و نیز ثبات نسبی دوران مدیریت از جمله مسائل مهمی است که می‌تواند در پیشبرد اهداف قضایی کشور و فراهم نمودن زمینه مناسب برای جریان یافتن امور نقش مؤثری را ایفا نماید. در مجموعه‌ای که اینجانب به عنوان عضو کوچکی از آن در حال انجام وظیفه می‌باشم، به طور میانگین طول دوران مدیریت هر یک از رؤسای دادگستری حداکثر دو سال بوده است که به لحاظ اینگونه تغییرات مکرر و کوتاه بودن مدت تصدی هر یک از مدیران و نیز اعمال مدیریتها و سلاقی مختلف ثبات لازم را کمتر شاهد بوده‌ایم که بی‌تردید چنین وضعیتی نتیجه مطلوبی را نمی‌تواند در پی داشته باشد.

■ به نظر جناب عالی چه راه حلی باید در نظر گرفت



واحد مستقل و منظم و نیز با گماردن مأموران ویژه برای این امر می‌توان تا حد زیادی از تجدید اوقات رسیدگی و در نتیجه تراکم مراجعین جلوگیری نمود. ۵- عدم وجود مأموران مجرب و کارآمد به عنوان ضابط دادگستری از جمله دلایل مهمی است که به تراکم مراجعین دامن می‌زند، زیرا در بسیاری از موارد چنانچه دستورهای قضایی به موقع و صحیح توسط مأموران ورزیده و آموزش دیده انجام پذیرد، مسلماً از بسیاری از رفت و برگشت‌های بی‌مورد جلوگیری گردیده و در نتیجه تراکم مراجعین کمتر خواهد بود.

۶- استفاده از شیوه‌های سنتی و قدیمی در انجام امور اداری که در حال حاضر پاسخگوی نیازهای فعلی سیستم قضایی نمی‌تواند باشد از جمله عوامل داخلی مورد بحث می‌باشد. به عنوان نمونه سیستم بایگانی فعلی اصلاً جوابگوی مشکلات حاضر نبوده و بارها شاهد مفقود شدن پرونده‌ها و عدم دسترسی به سوابق مورد نیاز بوده‌ایم که این امر عملاً موجب سرگردانی و مراجعه مکرر مراجعین گردیده است. حتی متأسفانه استفاده از رایانه در دادگستریهایی که به چنین امکاناتی مجهز گردیده‌اند صرفاً منحصر به تاپ اوراق قضایی و دادنامه‌ها گردیده است که قطعاً مورد نظر اینجانب چنین شیوه‌ای نمی‌باشد.

و اما در بخش بیرونی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- وجود قوانین که با پیش‌بینی تشریفات قانونی و شیوه‌های بیهوده عملاً موجب اطاله رسیدگی و در نتیجه تراکم مراجعین می‌گردند، یکی از عوامل بیرونی می‌تواند باشد. به عنوان نمونه در رابطه با شیوه‌های تجدیدنظر خواهی، نحوه اجرای آراء در موارد حقوقی که علی‌رغم قطعیت یافتن دادنامه، صدور اجرائیه مستلزم ابلاغ اجرائیه و مضمی مهلت قانونی می‌باشد که به نظر می‌رسد بررسی و یافتن چنین مواردی در قوانین مختلف و سپس انجام اقدامات لازم برای اصلاح آنها با تدوین نواحی قانونی مناسب یکی از ضرورت‌های انکارناپذیر در وضعیت فعلی باشد که با حذف این موارد از قوانین عملاً از میزان مراجعه‌های بیهوده به دادگستریها کاسته شده و نارضایتی مراجعین نیز از اطاله بی‌مورد در رسیدگی و یا اجرای آرای صادره کاهش می‌یابد.

۲- در برخی موارد به نظر می‌رسد ضرورتی به دخالت دادگستری وجود نداشته و پیش‌بینی صلاحیت در قوانین متعدد برای برخی امور کم‌اهمیت نتیجه‌ای جز ازدیاد مراجعه به محاکم دادگستری در بر نداشته است، مثلاً اجرای آرای هیئتهای حل اختلاف و وزارت کار و امور اجتماعی از جمله مواردی است که هیچگونه ضرورتی به اجرای آن توسط دادگستری احساس نمی‌گردد و می‌توان همانند آنچه که در قانون ملی شدن جنگها و مراتع پیش‌بینی گردیده، اجرای آرای صادر را

به سازمان مربوطه محول نمود.

۳- عدم همکاری مناسب از سوی برخی مسؤولان ادارات و سازمانها از جمله دلایلی است که موجب اطاله رسیدگی و یا طولانی گردیدن زمان اجرای آرای صادره می‌گردد، مثلاً در برخی موارد پاسخ به برخی استعلامات به عمل آمده ماههای به طول می‌انجامد و یا اصولاً در مواردی مسؤول ذی‌ربط خود را موظف به پاسخگویی ندانسته و همکاری به عمل نمی‌آورد، که هر چند در اینگونه موارد قضات محترم با اتکای به قدرت قانون و به منظور جلوگیری از تضییع حقوق مراجعین، با مسؤول متخلف برخورد لازم را به عمل خواهند آورد ولیکن نتیجه وضعی آن که تاخیر در رسیدگی است، اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

۴- به عنوان یکی از مهمترین دلایل در این قسمت می‌توان به عدم آشنایی و اطلاع کافی مردم و مراجعین به قانون، اشاره نمود. بارها مشاهده گردیده که افراد مراجعه‌کننده از نحوه طرح شکایت و یا طرح دعاوی اطلاع کافی نداشته و با تنظیم شکایتها و دادخواستهای ناقص و نامناسب عملاً موجب اطاله در رسیدگی به پرونده گردیده‌اند و یا در برخی موارد اصولاً نیازی به مراجعه به دادگستری نبوده ولی به علت نا آشنایی مردم به صلاحیتهای قانونی محاکم، این امر صورت می‌پذیرد.

وجود دوایر ارشاد قضایی در دادگستریها و نیز آشناسازی عموم اقشار جامعه با قوانین مبتلا به از طریق رسانه‌های جمعی به خصوص از طریق رادیو و تلویزیون، می‌تواند راه‌حل مناسبی برای این موضوع باشد ولیکن متأسفانه در وضعیت حاضر مشاهده می‌شود که دوایر ارشاد قضایی از حضور افراد متخصص و مجرب بی‌بهره بوده و عملاً فاقد کارایی لازم می‌باشند و یا برنامه‌هایی که از طریق واحد مربوطه جهت پخش در رادیو و تلویزیون تهیه می‌گردد از حداقل جذابیت برخوردار بوده و یا در ساعات بسیار نامناسبی پخش می‌شوند که در نتیجه بسیاری از مردم موفق به شنیدن یا دیدن این برنامه‌ها نمی‌شوند.

■ نحوه نظارت شما بر شعب دادگاه و اجرای احکام چگونه است؟

اصولاً رؤسای دادگستریها به موجب ماده ۱۲ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و نیز مواد ۹ و ۱۲ و آیین‌نامه اجرایی قانون یاد شده بر امور محاکم در حوزه قضایی مربوطه دارای حق نظارت قضایی و نیز ریاست اداری می‌باشند که در قوانین مختلف از جمله آیین دادرسی اعم از مدنی و یا جزایی و نیز در برخی قوانین دیگر موارد به صورت دقیق‌تری مورد اشاره واقع گردیده است. وجود این اهرمهای قانونی به رئیس دادگستری این امکان را می‌دهد که امکان انجام وظیفه قانونی و خطیر خویش را از حیث نظارت بر محاکم به عمل آورد. به عنوان نمونه در ماده ۳۳ قانون آیین دادرسی تأیید رئیس حوزه قضایی در صورت صدور بازداشت موقت توسط محاکم الزامی است و یا به موجب تبصره ۱ ماده ۳۲۵ آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی اجرای دستور موقت مستلزم تأیید رئیس حوزه قضایی می‌باشد که بدین وسیله امکان اعمال حق نظارت رؤسای دادگستری ممکن می‌گردد، هر چند که اعمال نظارت منحصر به شیوه‌های مذکور نبوده و به طرق دیگری نیز امکان اجرای آن وجود دارد.

از جمله بازدیدهای منظم از شعب و یا اجرای احکام یکی از راههای موثری است که امکان نظارت بر امور اداری و قضایی در واحدهای مربوطه را میسر می‌نماید. در این میان معاونت قضایی در انجام امور محوله پس از تفویض اختیار رئیس دادگستری همان اختیارات قانونی را دارا می‌باشد و اینجانب نیز با توجه به مسؤولیتهای محوله از سوی ریاست محترم دادگستری شهری، با انجام بازدیدهای دوره‌ای از شعب و یا واحد اجرای احکام از نزدیک شاهد چگونگی انجام امور بوده و نیز در برخی موارد به صورت موردی ببا مراجعه ارباب رجوع به بررسی

با عنایت به منطوق این بند از ماده ۳ اخذ آخرین دفاع از تکالیف بازپرس در تمامی پرونده‌هاست حتی پرونده‌هایی که بازپرس عقیده بر مجرمیت متهم ندارد و پرونده مشتبه به صدور قرار منع تعقیب و یا موقوفی تعقیب می‌گردد در حالی که به نظر می‌رسد صرفاً در موردی که بازپرس عقیده بر مجرمیت متهم دارد اخذ آخرین دفاع ضروری است و در سایر موارد چنین تکلیفی ندارد.

۳- در بند ۳ از ماده ۳ آمده است: «... کلیه قرارهای دادیار بایستی با موافقت دادستان باشد...» در حالی که شایسته است قرارهای نهایی را مضمول این تکلیف نمایند نه کلیه قرارها، زیرا دادیار بایستی حداقل در اخذ تأمین نظر مستقلى داشته باشد. ضمن اینکه لزوم موافقت دادستان با کلیه قرارهای دادیار موجب اطاله رسیدگی می‌گردد.

۴- در بند ۴ ماده ۳ آمده است: «... بازپرس دستور ابلاغ قرار صادره به شاکی خصوصی را می‌دهد...» و سخنی از ابلاغ قرار به متهم به میان نیامده است حال آنکه به نظر می‌رسد حتی در صورتی که درباره متهم قرار منع یا موقوفی تعقیب صادر شود این قرار باید به او ابلاغ شود. همچنین در بند ۳ ماده ۳ اعتراض به قرارهای منع تعقیب و موقوفی تعقیب را صرفاً حق شاکی خصوصی دانسته است در صورتی که باید این حق را برای متهم نیز به رسمیت بشناسیم به خصوص در مورد قرار موقوفی تعقیب ناشی از گذشت شاکی خصوصی در جرایم قابل گذشت، مثلاً فرض کنید شخصی به طور واهی علیه دیگری تحت عنوان اهانت شکایت می‌کند و در مرحله تحقیقات گذشت می‌نماید و قاضی دادسرا به لحاظ گذشت شاکی قرار موقوفی تعقیب صادر می‌نماید اما مشتکی عنه مدعی است که شکایت واهی است (و واقع امر نیز چنین است) و می‌خواهد بی‌گناهی خود را به اثبات برساند تا قرار منع تعقیب به لحاظ عدم احراز وقوع بزه در موردش صادر شود. گرچه نتیجه هر دو قرار (منع تعقیب و موقوفی تعقیب) عدم تعقیب متهم است ولی هر کدام از اینها آثار حقوقی و اجتماعی مختلفی دارد. به عنوان مثال در این فرض شاکی می‌تواند مدعی باشد که با گذشت من تعقیب موقوف شد و این امر به معنای بی‌گناهی متهم نبوده است در حالی که متهم مدعی است که بی‌گناه بوده و دلایل کافی برای اثبات بی‌گناهی خود داشته است ولی قاضی به محض گذشت شاکی قرار موقوفی تعقیب صادر کرده و به دلایل من توجهی ننموده. و همچنین چنانچه حقی برای متهم تحت عنوان اعاده حیثیت و شکایت علیه شاکی (تحت عنوان افتراء) قائل باشیم در این فرض این حق برای متهم مورد نظر مستقر نمی‌شود زیرا بی‌گناهی وی اثبات نشده است تا بتواند به عنوان افتراء اقامه شکایت کند بلکه به دلیل گذشت شاکی رسیدگی

◀ ترجم اسدیان - معاون دادستان عمومی و انقلاب شهرستان ری

لزوم آموزش اعضای شوراها

سال ۱۳۷۵ مشغول به کار قضایی شده و تاکنون، به عنوان قاضی تحقیق و دادرس دادگستری نورآباد و رئیس شعبه در دادگستری خرم‌آباد و معاون قضایی دادگستری ورامین انجام وظیفه نموده و در حال حاضر از ابتدای تشکیل دادسرا معاون دادستان دادرسی شهری می‌باشد.

■ با توجه به قانون مربوط به تشکیل دادرسی عمومی و انقلاب به نظر شما در این مدت کوتاه تأسیس دادسرا، آیا این قانون کامل و جوابگو می‌باشد؟ چنانچه نقایصی در این مدت مشاهده شده بیان فرمایید.

در مجموع قانون مناسبی است اما در این قانون بعضی ایرادات و ابهامات جزئی وجود دارد که باید رفع گردد به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌کنیم: ۱- در بند ۳ ماده ۳ از قانون اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱، با هدف حفظ حقوق متهم مقرر شده است: «... به هر حال مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای جرم تجاوز نماید.» به نظر می‌رسد این عبارت جامع نمی‌باشد چون که صرفاً شامل مواردی می‌گردد که در قانون برای مجرم مجازات حبس پیش‌بینی شده است و قانون نسبت به مواردی که مجازاتی غیر از حبس در نظر گرفته ساکت است زیرا نه ذکر از سایر مجازاتها به میان آورده و نه ملاکی جهت محاسبه سایر مجازاتها نسبت به حبس ارائه کرده است.

۲- در بند ۴ ماده ۳ از قانون مزبور مقرر گردیده است: «... پس از آنکه تحقیقات پایان یافت بازپرس آخرین دفاع متهم را استماع نموده با اعلام ختم تحقیقات و اظهار عقیده خود پرونده را نزد دادستان می‌فرستد...»

پرونده‌های محاکماتی و یا اجرایی پرداخته که تا حدودی زیادی امکان انجام وظیفه قانونی مورد اشاره را ممکن می‌نماید.

■ مشکلات شما در محیط کار چیست؟

از جمله مشکلات موجود به طور اجمال می‌توان به فقدان ساختمان متناسب با تعداد شعب و واحدهای قضایی موجود، کافی نبودن پرسنل قضایی و اداری که به خصوص در بخش قضایی کاملاً ملموس و محسوس می‌باشد و فقدان واحداشاراد کارآمد اشاره نمود.

■ انتظار شما از مسؤولان دستگاه قضایی کشور چیست؟

به نظر می‌رسد پاسخ سؤال مذکور به اشکال مختلف در پاسخ به سؤالات قبلی داده شده ولی به طور خلاصه لازم می‌دانم به ضرورت بازنگری در قوانین مختلف و حذف تشریفات بیهوده خصوصاً در رابطه با مواعید قانونی، تخصصی نمودن هر چه بیشتر امور قضایی، اهتمام بیش از پیش به امر آموزش و ایجاد فرصتهای آموزشی و مطالعاتی برای قضات و کارمندان اشاره نمایم.

بی‌مناسبت نیست که متذکر بشوم امر آموزش صرفاً با تدوین و چاپ کتب و نشریات مختلف مقدور نمی‌گردد، و نیز تقاضای خود را بر اعمال و اجرای صحیح ماده ۳۸ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین مبنی بر تکلیف وزارت دادگستری به اعطای فرصتهای مطالعاتی به صورت منظم و سالیانه به قضات و کارکنان اداری اعلام داشته و از ریاست محترم قوه قضائیه خواستار عنایت ویژه به اجرای صحیح آن می‌باشم. از جمله موارد مهمی که مورد تقاضای اکثریت قضات و کارکنان دستگاه قضایی کشور می‌باشد همانا توجه بیشتر به امور رفاهی و وضعیت معیشتی آنان می‌باشد که تناسبی با مسؤولیتهای محوله نداشته و بعضاً سطح دریافتی آنان حتی پایین‌تر از پرسنل برخی از دستگاههای اجرایی می‌باشد.

دانشجوی دکتری دانشگاه شهید بهشتی که از

